

تشکیل صندوق کمک به اعتصابیون آری یا نه

کامران پارسایی

بعد از تظاهرات دولتی ۲۲ بهمن رژیم کوشش می کند تا خود را پیروز میدان نشان دهد. رژیم سعی می کند تا جدایی مبارزه ما از جامعه را به ما تحمیل کند و از ابزار مختلف برای رسیدن به مقصود خود استفاده میکند. مهم تر از همه این است که رژیم تلاش می کند تا واقعیت های عینی جامعه و مقاومت مردم دلیر ایران را به فتنه گران و عناصر بیگانه نسبت دهد. تا از این طریق افکار عامه را از روند جنبش دور نگاه دارد. رژیم می کوشد تا ما را بخش بخش کند تا از این طریق بتواند روحیه مبارزه و همبستگی مردم را تضعیف کند و در نهایت تلاش می کند تا ما را وادار کند در محدودترین روش به خودمان فکر کنیم. بسیار شنیده ایم که با اعتصابات کارگری، کارمندی می توان رژیم را به زانو درآورد اما متأسفانه کمتر به این موضوع پرداخته شده است. در شرایطی که بخش اعظم نیروهای تولیدی کشور طبق آمار سازمان های جهانی زیر خط فقر به سر می برند، کارگری که هیچ گونه پس اندازی ندارد و زندگی و حیات خود و خانواده اش را وابسته به نظام اسلامی می بیند و اگر دست به اعتصاب بزند حقوقش قطع خواهد شد نیاز های اساسی خود را چگونه باید تامین کند؟ همانطور که شاهد بودیم در طول چندین ماه گذشته کلامی از اصلاح طلبان حکومتی برای شکل دادن به اعتصابات نشنیدیم چرا که حکومتیان به خوبی می دانند که با شروع اعتصابات نفس رژیم به شماره می افتد. بنابر این بی جهت نیست که رژیم از اعتصابات به هر شکلی می ترسد و به هر طریقی سعی می کند تا شکل مبارزات را در محدوده خیابان محدود کند. به هر صورت سرکوب در خیابان بسیار راحتتر از سرکوب و پایان دادن به اعتصابات سراسری است. در حال حاضر بحران در اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری است. افزایش در آمد نفتی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ منجر به سه برابر شدن مقدار نقدینگی و رشد نرخ تورم از ۱۰.۴ به ۲۵.۴ در صد رسیده است. در این وضعیت رژیم کوشش می کند تا فشار تورم موجود را با دادن وام های گوناگون کاهش دهد. اما این سیاست راه به جایی نبرده است چرا که بخش اعظم این وام ها به عوامل خود حکومت و آقازاده ها پرداخت شده و فقر و نابسامانی همچنان گسترش پیدا کرده است. سقوط قیمت نفت از ۱۴۸ دلار به ۴۰ دلار در تابستان ۲۰۰۸ کسری بودجه عظیمی را برای رژیم به همراه آورد. به نوعی که بودجه سال ۲۰۰۹ با کسری ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلاری روبرو شده است، باید چیزی حدود ۶ میلیارد دلار در بودجه جا به جا شود تا رژیم بتواند مزد و حقوق کارمندان و کارگران دولتی را پرداخت کند. آمار رسمی رژیم حکایت از آن دارد که تعداد بیکاران در بهار ۱۳۸۸ حدود ۲.۷ میلیون نفر برآورد شده است (قابل توجه اینکه در این آمار کسی شاغل شمرده میشود که در هفت روز قبل از سرشماری حداقل یکساعت کار کرده باشد!) در کنار کاهش در آمد نفت در بخش کشاورزی نیز با سیاست های غلط رژیم و واردات اقلام مختلف و کم آبی بی سابقه در چند سال گذشته و همچنین از کار افتادن نیروگاه های آبی که منجر به کمبود برق شد کشاورزان را در تنگنا قرار داد. فقط واردات گندم در سال ۱۳۸۷ شش میلیون تن برآورد شده است. رژیم برای سرپوش گذاشتن بر بحران اقتصادی که کشور را فرا گرفته با برداشت از صندوق ذخیره ارزی به میزان ۴.۵ میلیارد دلار و واردات مواد غذایی سعی در کنترل و بیرون آمدن از بحران را دارد در کنار این اوضاع باید رانت خواری عوامل رژیم از هر دو جناح را بیافزاییم. افزایش فقر در ایران امروز بیشتر از هر وقت دیگری است طبق آمارهای بانک مرکزی میتوان پیش بینی کرد که در حال حاضر حدود ۱۵ میلیون نفر، مانند زنان بیوه، بیکاران و غیره زیر خط فقر زندگی می کنند. به خوبی روشن است که رژیم در

بحران اقتصادی و ندانم کاری های ملایان دست و پا می زند و هر روز برای توجیه افکار عمومی آمار تقلبی ارائه می دهد . از اوایل سال جاری و به دنبال بالا رفتن قیمت نفت و مذاکرات پشت پرده برای نزدیکی به سرمایه داری جهانی رژیم سعی در به انزوا کشاندن مبارزات مردمی را دارد . در سی سال گذشته جمعیت ایران از ۳۷ میلیون به نزدیک ۷۵ میلیون رسیده است یعنی حدود دو برابر ، تعداد دانش آموزان به ۱۴ میلیون نفر میرسد . امروزه حدود یک میلیون کارگر در کارگاه های با بیش از ده نفر شاغل هستند . در بخش خودرو سازی ۱۱۸ هزار نفر شاغل هستند. در طول سالیان گذشته جنبش کارگری و کارمندی در ایران وارد فاز جدیدی شده اما هنوز یکپارچه نشده اند . با وجود سرکوب های وحشیانه رژیم به تشکل های کارگری ، کارمندی ، دانشجویی هر روزه شاهد اعتصاب و تظاهرات مختلف در اقصی نقاط کشور هستیم . در سال گذشته شاهد اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ، رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، معلمان ، کارگران واگن سازی پارس و هستیم . درست است که کارگران و کارمندان در شرایط فعلی بیش از همه از بحران اقتصادی ضربه می خورند . اگر قرار باشد کارگران و کارمندان در ابعاد وسیع دست به اعتصابات دراز مدت بزنند نیازمند حمایت مالی هستند . ناگفته پیداست که رژیم در برخورد با هر اعتصابی سریعاً دست به سرکوب بزند . ما باید که بتوانیم هدفمند به میدان بیاییم و خود را محدود به خواسته های حداقلی نکنیم . در پروسه اعتصابات رژیم سعی خواهد کرد تا به کمک رسانه های خود و عوامل اجیر شده اش احساسات مردم را نسبت به اعتصابیون برانگیزد و در نهایت تلاش خواهد کرد تا با قهر و سرکوب اعتصاب را بشکند . موقعیت فعلی و شرایط عینی برای راه انداختن اعتصابات سراسری مهیاست . به طور حتم اتحاد و همبستگی مابین دانشجویان ، زنان ، و معلمان در کنار کارگران میتواند سرعت سرنوشتی را شدت بخشد . قبل از سازماندهی اعتصابات ما باید که بتوانیم صندوق مالی کمک به اعتصابیون را تشکیل دهیم . وظیفه امروز ما در خارج از کشور همسو با فشار به رژیم درست کردن چنین صندوقی است . حمایت مالی ما از اعتصابیون می تواند بزرگترین کمک به جنبش آزادیخواهانه مردم باشد.

کلن فوریه ۲۰۱۰